عکس: چاوش همماوندی | جام جم

گپ و گفت صمیمانه با داریوش اسدزاده که این روزها در بیمارستان بستری است

کاش بچه‌هایم را می‌دیدم!

فاطمه عودباشی

رسانه

اتاق ۸۰۱ یکی از بیمارستان‌های تهران چند روزی است که میزبان داریوش اسدزاده است که به دلیل کهولت سن و ناتوانی بستری شده است. همراه عکاس اتاق‌ها را می‌بینیم تا به اتاق ۸۰۱ برسیم. در اتاق نیمه‌باز است و استاد داریوش اسدزاده روی تخت خوابیده است. کنار او همسرش با آرامش خاصی روی صندلی نشسته و نگاهش به استاد است.

این هنرمند به محض دیدن ما لبخندی روی لب‌هایش نقش می‌بندد. بعد از معرفی خودم و عکاس با همان لحن صمیمانه همیشگی‌اش به ما خوشامد می‌گوید. وقتی دسته‌گل را به او هدیه می‌دهم، اسدزاده و همسرش به خاطر انتخاب گل‌های رز سفید تشکر می‌کند و هر دو همزمان می‌گویند چه گل‌های زیبایی! استاد اسدزاده به محض این‌که متوجه می‌شود ما به نمایندگی از روزنامه جام جم به ملاقات او رفته‌ایم، خطاب به ما می‌گوید که روزنامه جام جم جزو روزنامه‌های خوب و خواندنی است و او یکی از خوانندگان روزنامه است.

بعد از چند دقیقه یادآوری می‌کند که تولد ۹۴ سالگی‌اش را در روزنامه جام جم همراه همکاران تحریریه گرفتیم و ادامه می‌دهد: خیلی خوب خاطرم هست که از من دعوت کردید و برایم کیك تولد گرفته بودید و شمع ۹۴ سالگی را کنار شما عزیزان فوت کردم. آن روز خیلی به من خوش گذشت و خوشحال شده بودم که به یادم بودید و برایم تولد گرفتید. راستش خانم! گاهی می‌بینیم که خیلی توجهی به هنرمندان پیشکسوت نمی‌شود، اما همین که شما هنوز هم به یاد من هستید، باعث خوشحالی‌ام است. هیچ چیز بهتر از این نیست که یاد هم باشیم و هرازگاهی به هم سر بزنیم.

همان طور که استاد مشغول صحبت کردن با ماست، فلور نظری از بازیگران تئاتر، سینما و تلویزیون در اتاق را باز می‌کند و با روی خوش وارد اتاق می‌شود و بعد از احوالپرسی با استاد و همسرش، نقبی به خاطراتی که با استاد در تله‌فیلم مسافر داشت، می‌زند و استاد هم در ادامه می‌گوید که یادش بخیر که در این فیلم خدابیامرز خسرو شکیبایی هم بازی می‌کرد. ماحصل گپ و گفت صمیمانه من و فلور نظری را با داریوش اسدزاده می‌خوانید. نکته قابل تامل این که مدیرعامل مؤسسه هنرمندان پیشکسوت روز سه‌شنبه در گفت‌وگو با یکی از خبرگزاری‌ها اعلام کرده بود که داریوش اسدزاده ممنوع‌الملاقات است، در حالی که همان روز سه‌شنبه ما به دیدن استاد رفتیم و به هیچ‌وجه ممنوع‌الملاقات نبود.

استاد، شما از ۷۶ سال پیش روی صحنه تئاتر و مقابل دوربین سینما و تلویزیون بودید. وقتی به گذشته‌تان نگاه می‌کنید، آن را چطور می‌بینید؟

راستش راضی هستم از کارهایی که انجام داده‌ام. هیچ‌وقت به دستمزد کارهایم فکر نکردم. همیشه اولین اولویتم برای پذیرش بازی در هر اثری، فیلمنامه بود. چون اعتقاد دارم که اگر متن خوب و درست نوشته شده باشد، بقیه کارها به شکل خودکار درست پیش می‌رود. به همین دلیل برایم مهم نبود که می‌خواهند دستمزدم را حتی کمتر بدهند، بلکه دلم می‌خواست کاری انجام بدهم که ماندگار باشد و تماشاگر از کارم راضی باشد.

یعنی اعتقاد دارید که هنرمند باید جریان‌ساز باشد؟

بله، هنرمند باید برای کارش احترام ویژه‌ای قائل شود. نباید مطالعه را فراموش کند. من در همه این سال‌ها همیشه تلاش کرده‌ام چند ساعتی را در طول روز به مطالعه اختصاص بدهم. من همیشه عاشق هنر بودم و همین باعث شد که علاقه‌مند به تئاتر شدم و از ۲۰ سالگی فعالیتم را در عرصه هنر شروع کردم. هم بازیگری کردم و هم نویسندگی و کارگردانی. برهه‌های مختلف تاریخ ایران را دیده‌ام و خوشحالم اطلاعات خیلی خوبی از تئاتر ایران دارم.

به همین دلیل کتاب سیری در تاریخ تئاتر ایران را نوشتید؟

بله، این کتاب را نوشتم تا هنرجویانی که علاقه‌مند هستند اطلاعات بیشتری درباره تئاتر ایران داشته باشند با خواندن این کتاب به معلومات‌شان اضافه شود. تا به امروز چند کتاب دیگر هم نوشتم و تدریس کرده‌ام. دوست دارم هر آنچه که دارم به جوانان بدهم.

استاد شنیده‌ایم می‌خواهید کتابی درباره زندگینامه خودتان بنویسید.

بله، همان طور که تاکید کرده‌ام برهه‌های مختلف تاریخ ایران را دیده‌ام، بنابراین دوست دارم کتابی از همان طفولیت خودم تا به امروز بنویسم. البته کار نگارش زندگینامه‌ام را شروع کردم و مقدمه هم نوشتم. تا این که کار به بیمارستان کشید و نتوانستم ادامه بدهم. اگر خدا همراهی‌ام کند و انرژی داشته باشم، حتما کتابم را خواهم نوشت.

آیا کاری دارید که آماده پخش از تلویزیون یا اکران از سینما باشد؟

نه، مدتی است که کار نکرده‌ام، به خاطر این که انرژی و قدرتم برای بازی کم شده است. به همین دلیل ترجیح داده‌ام که بیشتر استراحت کنم و کتاب بنویسم.

همچنان اهل دیدن فیلم یا سریال هستید؟

نه، اصلا فیلم یا سریال نمی‌بینم. بیشتر وقتم را برای نوشتن متمرکز کرده‌ام و می‌نویسم. در کنارش مطالعه هم خیلی می‌کنم. من از جوانی عاشق کتاب بودم و هنوز هم هستم. گاهی تا دمدمه‌های صبح بیدارم و آنقدر مشغول مطالعه می‌شوم که زمان را از دست می‌دهم.

معتقدم انسان با مطالعه زنده است. نمی‌دانم چرا جوانان امروزی بیشترین زمان خودشان را در گوشی‌هایشان می‌گذرانند، در حالی که خروجی مثبتی هم برایشان نخواهد داشت.

نمی‌دانم چرا این اتفاقات افتاده و جوانان بیشتر درگیر این مسائل و اینترنت هستند. من خودم یك گوشی قدیمی دارم، آن هم برای این‌که دوستان با من تماس بگیرند. با این سن و سال امکان ندارد مطالعه نکنم و برای مطالعه وقت نگذارم. دنیای ما آدم‌ها با مطالعه بزرگ می‌شود و می‌توانیم تجربیات زیادی کسب کنیم. اگر این طور نباشد واقعا وقت را بیهوده گذرانده‌ایم. توصیه می‌کنم که جوانان اندکی برای مطالعه وقت بگذارند، حتی شده در طول روز به اندازه ده تا ۱۵ دقیقه زمان بگذارند. بعد از مدتی نتیجه‌اش را در زندگی‌شان خواهند دید.

استاد چه خبر از بچه‌ها؟

آنها سال‌هاست به آمریکا رفته‌اند. بچه‌ها یعنی زندگی. دوست دارم ببینمشان اما نیستند. وقتی هم بچه کنارت نباشد، انگار فرزند ندارید. در حالی که خانواده نقش خیلی مهمی دارد. پایه و اساس هر چیزی در جامعه، خانواده است! این جمله را محکم می‌گویم و از شما هم می‌خواهم با تاکید بنویسید. چون خانواده نقش بی‌نظیری دارد و باید به آن توجه کنیم.

تعداد بازی‌های شما در تئاتر، سینما و تلویزیون خیلی زیاد است و هرکدام ویژگی‌ها و تفاوت‌های خودش را دارد. آیا خاطره جالبی دارید که برایمان بگویید؟

راستش بازی در هر کاری برایم خاطره است. مگر می‌شود خاطرات را فراموش کرد، خاطراتی که هرکدام از آنها رنگی دارد. من تا امروز کنار خیلی از هنرمندان بازی کردم. یکی از این هنرمندان زنده‌یاد خسرو شکیبایی است. یادش بخیر و خدا بیامرزدش. واقعا هنرمند خوب و حرفه‌ای بود و بازیگر از این که کنارش بازی می‌کرد حس خوبی داشت.

وقتی قرار بود من کنارش بازی کنم، خیلی خوشحال می‌شدم. البته همه بازیگرانی که تا امروز کنارشان بودم خوب بودند و من از بازی در هیچ کاری پشیمان نشده ام و همه آنها را دوست داشتم. چون همیشه با دقت کارهایم را انتخاب می‌کردم. به متن، کارگردان و بازیگران توجه می‌کردم. این طور نبود بدون تحقیق یا بی مطالعه در کاری بازی کنم. در مجموع امروز خاطرات و عکس‌های هنرمندان و دوستان شفیق برای من یادگار مانده است.

حرف‌های کوتاه از زبان همسر اسدزاده

۲۴ سال از زندگی من و همسرم می‌گذرد و الان چند روزی است به خاطر کهولت سن و ناتوانی در بیمارستان بستری است. در طول این سال‌ها در کنار هم زندگی کرده‌ایم و در برنامه‌ها و همایش‌ها کنار او شرکت کرده‌ام. در مجموع زندگی کردن کنار هنرمندان، سختی‌های خودش را دارد، زیرا ممکن است کار در شهرستان ضبط شود و مدتی کنارمان نباشند. اگر هم در تهران هم باشند، گاهی ممکن است ضبط کار شب‌ها باشد و گاهی روزها. به همین دلیل خیلی نمی‌توان روی زمان هنرمندان برنامه‌ریزی کرد. البته من از ابتدا که همسر آقای اسدزاده شدم، می‌دانستم به هر حال زندگی با یك هنرمند کار راحتی نیست و سختی‌های خودش را دارد. به همین دلیل همه این مسائل را پذیرفته بودم و با هم زندگی کردیم.

حرف‌های کوتاه از زبان فلور نظری، بازیگر

راستش ما هنرمندان گاهی از هم غافل می‌شویم. در حالی که وظیفه داریم به همدیگر سر بزنیم و جویای احوال هم باشیم. ما باید در کنار هم باشیم، چون روزی هم ما به میانسالی می‌رسیم. بنابراین باید هرازگاهی یادی از هنرمندان پیشکسوت کنیم تا آنها هم بدانند فراموش نشده‌اند و همچنان برای ما عزیز هستند. وقتی خبر بیماری و بستری شدن استاد اسدزاده را شنیدم، سریع با خودشان تماس گرفتم. باورتان نمی‌شود وقتی صدای استاد را شنیدم و این که خودش تلفن همراهش را جواب داد خیلی خوشحال شدم که استاد حالشان خوب است. به همین دلیل وظیفه خودم دیدم بیایم و حضوری استاد را ببینم و احوال او را بپرسم. ان‌شاءا... سایه هنرمندان پیشکسوت همیشه بالای سرمان باشد.

یادداشت:
محمود سماك‌باشی
صدابردار

مدیریت تنبل جواب نمی‌دهد

این‌که کنار گود بنشینیم و بگوییم لنگش کن، پسندیده نیست. این‌که مدام از تولید نشدن سریال‌های فاخر بنالیم و نگوییم در دل بحران اقتصادی، تولیدات سنگین ممکن نیست هم پسندیده نیست. فشارهای اقتصادی عملا تولیدات را راکد و تعطیل کرده و به وضوح می‌بینم بسیاری از کارها حتی بعد از تاییدات اولیه روی غلتك نیفتاده.

در میان تولیداتی که روی غلتك است هم متاسفانه بارها دیده‌ایم آدم‌هایی که مال این حرفه‌اند، در رأس کار نیستند. مثلا برای کاهش هزینه‌ها به سراغ صدابرداران آماتور می‌روند و همین می‌شود که حتی یك صدای محیطی درست در برخی سریال‌ها نیست. این نیز خود ناشی از ضعف مدیریت است.

این‌که انسانی به صرف خوب بودن رئیس شود، منطقی نیست. چون مدیریت علم است و بی‌علم مدیریت حتی اگر پرهیزکار باشید باز کاری از پیش نمی‌برید.

دکتر علی‌عسکری، مدیری است دارای تجربه مدیریت که رسانه را هم می‌شناسد، ولی در شبکه‌های مختلف رادیو و تلویزیون چند مدیر داریم که مانند ایشان کار آشنا باشند؟

با این سیستم‌های مجازی که در حال حاضر وجود دارد و دائم خبرهای صحیح و ناصحیح، غلط و درست را بلافاصله منتقل می‌کنند، تلویزیون در رقابت بسیار کار سختی دارد، به خصوص در پخش اخبار که باید تصمیم فوری بگیرد پخش کند یا نکند یا چگونه پخش کند، مدیریت تنبل جواب نمی‌دهد.

باید درسریال‌ها، واقعیت‌ها گفته شود و همچنین رفتارها و نوع ارتباط‌ها همان‌گونه باشد که در زندگی واقعی مردم وجود دارد، نه آن‌که به صورت مصنوعی و با جرح و تعدیل با مردم حرف بزنیم. رعایت این نکات به مدیران باهوش نیاز دارد.

تصویربرداری «قهرمان» به پایان رسید

فیلمبرداری فیلم مستند «قهرمان» به تهیه‌کنندگی و کارگردانی الهام آقالری که چندی پیش در شیراز کلید خورده بود، به پایان رسید.

به گزارش مهر، قهرمان کاری از شبکه مستند سیما به کارگردانی و تهیه‌کنندگی الهام آقالری است که فیلمبرداری آن پس از تحقیق و پژوهش تیرماه ۹۸ در شهر شیراز انجام شد. این مستند که به‌تازگی وارد مراحل فنی و تدوین شده است داستان زندگی فاطمه حشمتی، قهرمان ملی و آسیایی را که در ۸۳ سالگی موفق به کسب مدال‌های طلا و نقره در رشته دو و میدانی شد، روایت می‌کند. از عوامل ساخت و تولید قهرمان می‌توان به فیلمبردار: عبدا... شکری، صدابردار: علی بلندنظر و مدیر تولید: علی کشاورز اشاره کرد.

بببینید و بشنوید

شبکه یك

۷/۱۰	سفرنامه صبا
۹/۳۵	مجموعه داستانی دودکش
۱۶/۰۵	خانه ملت
۱۸/۲۰	درس‌هایی از قرآن
۱۹/۵۰	خشت بهشت
۲۲/۰۵	سریال بوی باران
۲۳/۰۵	فیلم سینمایی شب

شبکه دو

۱۱	شفا
۱۵/۳۰	شکرستان
۱۷/۴۵	کوی محبت
۱۸/۴۵	طبیعت ۳۶۰ درجه
۱۹/۴۵	محله گل و بلبل
۲۳/۳۰	ایران

شبکه سه

۱۲	مستند اردوهای جهادی
۱۷/۲۰	ستاره‌ساز
۱۹/۳۰	مخفیلم
۲۲/۳۰	عصرجدید
۲۳/۳۰	مخاطب خاص

شبکه پنج

۱۲/۱۵	تا نیایش
۱۳/۲۰	تماشاخانه (فوتبالیست‌ها)
۱۵	رنگین‌کمان
۲۰	زیرگنبد طلا
۲۱	تهرانگرد
۲۱/۳۰	شب فیروزه‌ای
۲۳	سریال باج

شبکه نسیم

۱۹	سریال اشك‌ها و لبخندها
۱۹/۳۰	شکرآباد
۲۰	ویتامین خ
۲۱	خانه ما
۲۲	نسیم آوا
۲۳	مرور دورهمی

شبکه تماشا

۱۷	پایتخت ۴
۱۸	بوی باران
۱۹	دختر امپراتور
۲۰	زوج یا فرد
۲۱	تعبیر وارونه یك رویا
۲۲	عملیات ویژه نجات
۲۳	پرستاران

شبکه نمایش

۱۳	حورا
۱۵	ستاره‌های شانس
۱۷	کلاهی برای باران
۱۹	معجون زمان۱
۲۱	دو اسلحه
۲۳	خاکریز

شبکه شما

۹	پزشك شما
۱۰	کاشانه مهر
۱۸	مستند
۱۹	ترانه‌باران
۲۱	شکرخند
۲۲	چهل پنجاه هفت
۲۳	سریال زیباشهر

شبکه‌های رادیویی

۹/۱۰	قرآن: هدیه‌های آسمانی / آموزش حفظ ویژه نوجوانان
۱۰/۳۰	ایران: خاص باشید / کارآفرینی و رونق تولید در راستای شعار سال
۱۱/۳۰	فرهنگ: حریر سخن / مشاعره ادبی با اجرا و کارشناسی دکتر اسماعیل آذر
۱۶/۳۰	اقتصاد: راه ابریشم / راهکارهای افزایش صادرات سنگ‌های قیمتی
۱۸/۳۰	معارف: یك آسمان ارادت / یك آسمان ارادت مشهد